

شب قلعه‌ی مردان است

«مجموعه داستان»

عطا نهایی

ترجمه‌ی مستوره درخشی



کتاب کوچه پستی

سرشناسه	: نهائی، عطا، ۱۳۳۹-
عنوان و نام پدیدآور	: شب قلعه‌ی مردان است - مجموعه داستان / عطا نهائی (گردآورنده و مترجم) مستوره درخشى.
مشخصات نشر	: تهران: کتاب کوله‌پشتی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۴ ص.
شابک	: 978-600-8211-58-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتاب حاضر منتخبی از دو کتاب زریکه و ته‌نگانه مؤلف است که به زبان کردی شده و به فارسی ترجمه شده است.
موضوع	: داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده از کردی
موضوع	: Short stories, Persian -- 20th century -- Translations from Kurdish
موضوع	: داستان‌های کوتاه کردی -- ایران -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده به فارسی
موضوع	: Short stories, Kurdish -- Iran -- 20th century -- Translations into Persian
شناسه افزوده	: درخشى، مستوره، ۱۳۳۹ -، مترجم
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ن۹۲۵ه۵ / PIR ۲۲۵۶
رده‌بندی دیویی	: ۸۱۹/۲۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۴۳۳۱۶۴



شب سحر مردان است

«مجموعه داستان»

عطا بهایی

ترجمه‌ی مستوره بهایی

ویراستار: مهدی خطیب

شابک: ۷-۵۸-۸۲۱۱-۶۰۰-۹۷۸

نوبت چاپ: اول-۱۳۹۶

طراح جلد: امیر اعلانی

صفحه‌آرا: آتلیه‌ی کوله‌پشتی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نشر کتاب کوله‌پشتی

تلفن: ۶۶۱۳۹۵۸ - ۶۶۵۹۴۸۱۰

پست الکترونیک: Koolehposhti-pub@yahoo.com

وبسایت: www.ketabekoolehposhti.com

اینستاگرام: [ketabekoolehposhti](https://www.instagram.com/ketabekoolehposhti)

آدرس: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان کارگر جنوبی، کوچه مهدیزاده، پلاک ۷، واحد ۱۰۲

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

یادداشت نویسنده:

ا. جانب عطانهای، نویسنده‌ی کتاب‌های زیریکه (جیغ) و ته‌نگانه (تنگنا) به ربان کردی، خشنودی و رضایت خود را برای ترجمه‌ی منتخبی از داستان‌های این دو مجموعه و انتشار آن‌ها در یک مجموعه، تحت عنوان شب قلعه‌ی مردان است توسط همکار و سرمد کار خانم مستوره درخشی اعلام می‌کنم و پیشاپیش زحمات ایشان و سایر محارمان را ارج می‌نهم.

در ضمن غیر از ایشان، هیچ مترجم دیگری، بدون کسب اجازه‌ی کتبی از اینجانب حق ترجمه و انتشار این دو کتاب را با هر عنوانی نخواهد داشت.

با آرزوی موفقیت

عطانهای

۹۵/۵/۲۷

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۵	در دام پنج پنجه
۲۵	داغ زخمی کهنه
۳۷	جیفی در گلوی شب
۴۷	شیرزاد نباید بفهمد
۶۱	حسرت عبدال
۶۹	دو تصویر گمشده
۷۳	روزی از آن دریا
۸۳	شب قلعه‌ی من است
۹۳	من... تو را... دوست... دارم
۱۰۱	در آرزوی باران
۱۰۷	مسخ
۱۱۷	با کوچ پرستوها
۱۲۳	هرمز و مجسمه‌ی شربی
۱۲۹	سرود بارش سنگ
۱۳۷	یک داستان ناتمام

عطا نهایی، در سال ۱۳۳۹ در شهرستان بائه به دنیا آمد. نوشتن داستان و رمان به زبان مادری اش (کردی) را به طور جدی و حرفه‌ای از هجده سالگی آغاز کرد. از این نویسنده، علاوه بر سه مجموعه داستان کوتاه جیغ، تنگنا و آن پرنده‌ی زخمی که من و رمان‌های گل شوران، پرندگان در باد و گرو بخت هلاله به زبان کردی، چندین داستان کوتاه و مقاله به زبان فارسی نیز در مجلات کارنامه، عصر پنجشنبه، گفتمان، و... چاپ رسیده است.

این نویسنده، پرکار بسیاری از آثار داستانی ادبیات معاصر ایران و دیگر ملل را به زبان کردی ترجمه کرده است، که عبارتند از: مجموعه‌ی خانه‌روشنان شامل چهارده داستان از چهارده نویسنده، معاصر ایرانی، شازده احتجاب اثر هوشنگ گلشیری و آثاری از فرانتس کافکا، هاینریش بول، ماریو بارگاس یوسا، ایتالو کالوینو، میلان کوندرا، کورت و نه گاتر...

مجموعه داستان پیش رو، ترجمه‌ی منتخبی از داستان‌های کوتاه عطا نهایی است که در اواخر دهه‌ی شصت و اوایل دهه‌ی هفتاد، بر دو کتاب جیغ و تنگنا منتشر شده است.

داستان‌های کتاب نخست، محصول اولین تجارب نویسنده در داستان‌نویسی است. دغدغه‌ی نویسنده در این کتاب، روایت رویدادهایی است که در رادگاهش - کردستان - به طور خاص و در ایران به طور عام، شاهد آن بوده است. محرومیت، فقر، بی‌عدالتی، نابرابری، سنت‌های ناپسند اجتماعی، شیوه‌های نادرست تربیتی، ناآگاهی و جهل، گم‌گشتگی هویت فردی و جمعی، پدیده‌ی زشت و زیان‌بار

جنگ و عواقب ناشی از آن‌ها، بُن‌مایه‌های اصلی داستان‌های کتاب «جیغ» است. داستان در دام پنج پنجه روایت اسارت انسان است، انسانی که در کودکی، در جنگ و حصار عواطف و احساسات کنترل نشده و خودخواهی‌های بی‌حدومرز پدر و مادر گرفتار است، در جوانی به اسارتی خودخواسته، یعنی عشق، تن در داده و آن را مایه‌ی رهایی خویش پنداشته، اما سایه‌ی سنگین فقر او را به سری اسارتی ناواسته و ضدانسانی پیش برده است.

نویسنده به‌رغم مرد بودن، عواطف زنان را نیز به‌خوبی درک کرده و در داستان‌هایش به تصویر کشیده است.

داستان جیغی در گلوی شب روایت گوشه‌هایی از زندگی دخترانی است که به قول شاعر: «حترا انتظ»، دختران رود گل‌آلود و دختران بسترِ خشونتِ نومیدی^۱ هستند. داستانی که نه‌سندۀ آن، ضمن به چالش کشیدن پدیده‌ی زشت و ناپسند «زن در ازای زن»، به بی‌رحمانه‌ی زن که مرگ همسر، بر خواسته‌های روا، مشروع و انسانی آنان خط بطلانی کشیده است، گوشه‌ای چشمی دارد؛ اما کنار همه‌ی این خشونت‌ها و سرشکستگی‌ها و ناایسی زندگی با تمام شکوهش و با تمام لایه‌های پیدا و پنهانش، در آثار نهایی جریان دارد.

نویسنده در داستان روزی از آن روزها در کنار جنگ و مرگ و فقر، دوستی‌های کودکان و دل‌باختن‌های ساده و تلاش و شوق انسان را برای زنده ماندن و زندگی کردن، فراموش نمی‌کند.

داستان‌های کتاب تنگنا، دومین مجموعه داستان عطا نهایی، از نظر فرم و محتوا با کتاب نخست او متفاوت است. بیشتر داستان‌های این کتاب سویدای سادین دارد.

در آرزوی باران، داستان ملتی است که بار سنگین ناکامی‌های گذشته، چشم‌انداز آینده‌اش را تیره و تار ساخته و فقط با امید، زنده است. در داستان سرود

۱. شاملو، احمد. (۱۳۸۸). هوای تازه. ج ۱۳. تهران: نگاه. (شعر از زخم قلب آبی ص ۵۴-۵۰)

بارش سنگ، خات‌پیروز، زن زیباروی سیاه‌پوش و غمگین، نمادی از خاک مقدسی است که دشمنانِ عشق و آزادی، چشم طمع به آن دارند و با خدعه و نیرنگ در پی تصرف آن هستند. پسرش، هَلُوخان، عاشق شریزه‌ای است که شب را تاب نمی‌آورد و جانش را سر دفاع از سرزمین مادری اش می‌گذارد.

داستانِ هُرمز و مجسمه‌ی سُربی، روایت ترس‌هایی است که از کودکی گردن‌آویزی سُربی شده و با زنجیری طلایی بر گردن‌مان آویخته‌اند. ترس‌ها و کابوس‌هایی که در خواب و بیداری با ما هستند و لحظه‌ای ما را رها نمی‌کنند. سایر داستان‌های این کتاب هم، روایتی نمادین از زندگی ما و اطرافیان‌مان است. اما دارم این ترجمه، گامی هرچند کوچک و ناچیز در جهت آشنایی بیشتر خوانندگانِ فرهنگ و ادبیات معاصر کردی بردارد و رضایت دوستداران ادبیات را نیز جلد، کند.

در خاتمه لازم می‌دانم از همه‌ی کسانی که مرا در ترجمه‌ی داستان‌های این مجموعه یاری کردند، تشکر و قدردانی کنم. به‌ویژه از نویسنده‌ی فرهیخته، جناب آقای عطانهایی که با رشادت و صبر و حوصله‌ای مثال‌زدنی، در تمام مراحل ترجمه و تطبیق آن با متن کردی مرا همراهی کردند و نیز از جناب آقای عدنان برزنجی، مسئول محترم مؤسسه‌ی فرهنگی و ادبی «راژه» که با رهنمودهای عالمانه‌شان، راهگشای من بودند و از درست‌رهمکار بسیار عزیزم خانم ناهید اشرفی که متن را به‌صورت کامل بازخوانی و ناهید را به‌نمای آن را تصحیح کردند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. امیدوارم سزاوار محبت‌های این دریغ همه‌ی این بزرگواران بوده باشم.

م. ه. ر. خشی

تابستان ۱۳۹۱